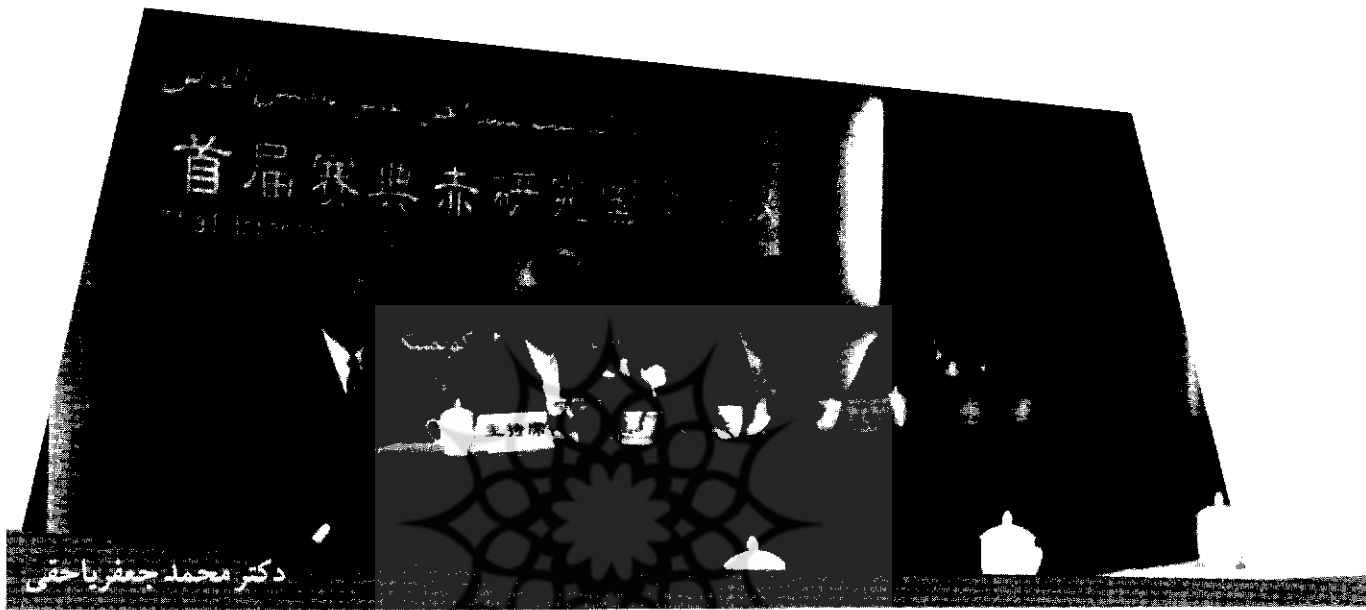


### یک پایان نامه در جریان سیال ذهن

اگر مهم‌ترین ویژگی یک پایان نامه دکتری این باشد که دیدگاه تازه‌ای در آن مطرح شود و دانشجو پس از گذراندن آن بتواند حرف اول را در جامعه علمی روزگار خود در این زمینه بزند، از میان ۹ پایان نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی که طی شش ماه آخر سال ۱۳۸۲ در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی با اشراف خود من به عنوان مدیر گروه دفاع شد، تنها یکی را تا حد قابل قبولی واجد این شرط و به عبارتی واجد دریافت درجه دکتری به معنای آکادمیک آن یافتیم. موضوع این پایان نامه **جریان سیال ذهن و بررسی این شیوه در چهار رمان ایرانی** بود که دانشجو طی بررسی فشرده‌ای با توجه به منابع موجود به دو زبان فارسی و انگلیسی به معرفی اصول علمی جریان سیال ذهن در رمان نویسی پرداخته و چهار رمان ایرانی: **ملکوت بهرام صادقی**، **سنگ صبور چوبک**، **سمفونی مردگان** معروفی و **سازده احتجاج** هوشنگ گلشیری را بر اساس معیارهای آن بررسی و نقادی کرده و میزان توفیق یا عدم توفیق و قدرت تکنیکی هر یک و دلایل آن را نشان داده است.

موضوع این پایان نامه در واقع به خود من یا بهتر به درس «تحقیق

در مکتبهای ادبی جهان» باز می‌گردد که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ با دانشجویان دکتری ادبیات فارسی مشهد داشتم و نویسنده پایان نامه حاضر آقای محمدعلی محمودی به عنوان دانشجوی آن درس این موضوع را برای تکلیف کلاسی خود انتخاب کرده بود. به یاد می‌آورم که همان موقع وی به این موضوع علاقه نشان داد و آن را به عنوان موضوع پایان نامه خود پیشنهاد کرد و اصرار داشت که راهنمایی آن را من به عهده بگیرم. آن روز حقیقت امر این است که هنوز به کار این دانشجو چنان اطمینانی پیدا نکرده بودم که یقین داشته باشم چنانکه من می‌خواهم از عهده این کار بر می‌آید. این بود که به بهانه سفری که در پیش داشتم، و البته واقعیت هم داشت، عذر خواستم. اینک به کفاره آن بی‌اعتنایی حالا که این پایان نامه، البته به راهنمایی همکارم دکتر مهدخت پورخالقی، به پایان رسیده و نظر مرا جلب کرده است باید اعتراف کنم که در میان کارهای مشابه و از آن جمله این چند پایان نامه دیگری که در گروه ما دفاع شد آن را مشخص و واجد شرط دریافت درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی و نقاد ادبی دیدم، برای آنکه هم موضوع به روز و کارناشده است و هم نویسنده حرفی تازه برای خواننده مطرح کرده و به پندار من به عنوان مرجع و متخصص این کار می‌تواند معرفی



در آن محفل را به امثال این گونه کوششها ترغیب کرد. مشکل کار آقای فیاض به نظر من عدم تازگی موضوع بود و گرنه برای همت و دستاورد علمی او هم در بسیاری از موارد می توان حدی همانند کار آقای محمودی قائل شد.

اما پایان نامه جریان سیال ذهن که اینک با ۳۷۳ صفحه متن و مقدمه و کتابنامه ای حاوی ۷۸ منبع به فارسی و انگلیسی، پیش روی من است کار شایسته ای است که در زبان فارسی جز یکی دو مقاله مستقل و اشاره هایی پراکنده در خلال برخی از تحلیلهای، چیز دیگری در باره آن نوشته نشده است. این امر به زعم من می تواند هم دشواری کار نویسنده به حساب آید و هم آسانی کار او. دشواری از آن رو که منابع کار عمدتاً باید در زبانهای دیگر جست و جو شود و آسانی از آن جهت که بیشتر یافته های نویسنده نه قرضی و رونویسی که دستاورد خود او تلقی می شود، چیزی که در یک نگاه کلی به شاخص ماندن کار وی نیز کمک کرده است.

جریان سیال ذهن در زمان نویسی فارسی دیرینگی چندانی ندارد و عموماً به **سازده احتجاب گلشیری** منتهی می شود. بعدها برخی از کارهای معروفی و چوبک و تنی چند از داستان نویسان معاصر، حتی

شود تا آنجا که می توانم اعلام کنم که اگر قرار باشد از این پس کاری در زمینه جریان سیال ذهن به عنوان داور برای کسی بفرستم آن داور بدون تردید کسی جز دکتر محمد علی محمودی نویسنده این پایان نامه نخواهد بود.

قبل از آنکه بیرون از تعریف به توصیف بیشتر کار نویسنده بپردازم لازم می دانم در میان این چند پایان نامه به یک کار نسبتاً خوب دیگر، که آن هم از جهتی سزاوار توجه و تمجید بود، اشاره ای بکنم و آن کاری بود که با عنوان **فرهنگ لغات و مصطلحات خمسه نظامی** به راهنمایی دوست دانشمندم دکتر رضا انزایی نژاد و با همت دانشجوی کوشنده ما محمد مهدی فیاض اندکی قبل از پایان نامه آقای محمودی دفاع شد و نظر هیأت داوران را به خود جلب کرد. از آن میان به ویژه دکتر بهروز ثروتیان که به عنوان استاد مشاور پا به پای دانشجو پیش آمده و با آنکه خود او عمری در نظامی مستغرق بوده و گرهمای کوری از شعر وی را باز کرده است، در جلسه دفاع در بسیاری از موارد نظر این دانشجو را منصفانه بر آنچه خود یافته بود ترجیح نهاد. دکتر ثروتیان همچنین پشتکار و همت و تلاش صمیمانه آقای فیاض را در جلسه دفاع ستود و از او به عنوان یک نظامی شناس واقعی یاد و دانشجویان حاضر

داستان «شوهر آمریکایی» آل احمد و بوف کور هدایت از سوی بعضی از ناقدان به این شیوه انتساب یافته است. در این رساله نویسنده پس از آنکه مبانی و معیارهای رمان جریان سیال ذهن را بر اساس آراء منتقدان و صاحب نظران این رشته معین می کند، به این نتیجه می رسد که بوف کور تنها یک رمان ذهنی است که نه همانند رمانهای جریان سیال ذهن بر لایه های پیش از گفتار (pre-Speech Level)، که بر لایه گفتاری ذهن تکیه دارد و با آنکه به این نوع رمان خیلی نزدیک می شود تنها همین ویژگی آن را از حوزه بحث جریان سیال به معنی تکنیکی آن خارج می کند (ص ۹۱ به بعد). داستان کوتاه «شوهر آمریکایی» جلال را هم نویسنده به دلایلی از جمله اینکه راوی داستان به وجود مخاطب خود کاملاً آگاهی دارد، از حوزه جریان سیال ذهن خارج و به شیوه تک گویی نمایشی منتسب می کند (ص ۸۰ به بعد) که محل تردید است، برای آنکه شیوه تک گویی نمایشی خاص شعر است و به حوزه نویسندگی کمتر ارتباط پیدا می کند. نویسنده با مطالعه دقیق در آثار سایر داستان نویسان ایرانی به این نتیجه می رسد که ملکوت بهرام صادقی در برخی از قسمتها به شیوه جریان سیال ذهن نزدیک می شود تا آنجا که می توان آن را از این جهت بررسی کرد و در عداد رمانهای جریان سیال به شمار آورد. بنا بر این با توجه به محدودیت میدان کار بر آن می شود که از میان همه نویسندگان ایرانی چهار تن را که کارهای آنان به شیوه جریان سیال ذهن نوشته شده انتخاب کند و از هر کدام یک داستان، که از این حیث شاخص و بیشتر از همه قابل بحث است، برگزیند که همان طور که گفتم حاصل آن به ترتیب عکس اهمیت می شود: ملکوت، سنگ صبور، سمفونی مردگان و سازده احتجاب.

بد نیست به عنوان بخشی از دستاورد نویسنده بر اساس پژوهش وی به برخی از عمده ترین مشترکاتی که در دیدگاه نویسندگان بزرگ این شیوه دیده است و صاحب نظران و منتقدان غربی جریان سیال ذهن نیز بر آنها انگشت گذاشته اند، اشاره ای بکنم. به طور کلی وی این سه ویژگی را در آثار معروف مربوط به شیوه جریان سیال ذهن دیده است (ص ۲۶۰):

- ۱) بخش عمده و قابل ملاحظه وجود انسان زندگی و وجود ذهنی اوست.

- ۲) این زندگی ذهنی غالباً فاقد نظم و بدون منطق پیش می رود.
- ۳) همین ذهنیات ظاهراً آشفته و فاقد نظم بیشتر از اندیشه های سنجیده و منظم حقیقت وجودی انسان را معرفی می کند.

بر اساس همین مشترکات و تعاریف صاحب نظران برجسته و پس از مطالعه رمانهای متعدد معروف جریان سیال ذهن، نویسنده به این نتیجه می رسد که موضوع این رمانها محتویات لایه پیش گفتار ذهن شخصیت است. به زعم او توجه به این لایه از ذهن موجب ظهور ویژگیهایی در روایت به شرح زیر می شود که رمان جریان سیال را از جز آن متمایز می کند (ص ۲۶۱):

- ۱) روایت جریان سیال ذهن آگاهانه و ارادی نیست و طبعاً هدفی را تعقیب نمی کند.

- ۲) در روایت جریان سیال ذهن، اطلاع رسانی مستقیم نمی شود.
- ۳) برای روایت جریان سیال ذهن مخاطبی که وی بر وجود او آگاه باشد، مفروض نیست.

- ۴) خاطرات و اندیشه هایی که در این شیوه روایت می شوند، نظم

فکری ندارند، بلکه به گونه ای بی نظم و مغشوش چنانکه در لایه پیش گفتار ذهن چنین است، ارائه می شوند.

- ۵) در روایت روایت رابطه علت و معلولی مشهودی بین حوادث دیده نمی شود و تنها پس از تحلیل ذهنیات، شخصیتها، حوادث، صحنه ها و احیاناً روانکاوی راوی می توان دریافت که چه ذهنیتی موجب ظهور ذهنیت دیگر در عرصه ذهن راوی شده است.

- ۶) حوادث در روایت جریان سیال ذهن بر محور زمان خطی استوار نیستند، بلکه هر لحظه ذهن به نقطه ای از زمان سفر می کند.

- ۷) نظم مکانی نیز در این روایت وجود ندارد.

- ۸) به دلیل روایت ذهنیات از لایه پیش گفتاری، امکان اغتشاش در زبان و نظم دستوری وجود دارد.

- ۹) هیچ گونه انتخاب یا سانسوری بر ارائه ذهنیات شخص اعمال نمی شود.

در پایان نویسنده آرزو می کند که نویسندگان ما بتوانند با استفاده از امکانات و تواناییهایی که در زبان فارسی موجود است با استفاده از تجربیات موجود و کشف امکانات جدید به خلق رمانهای موفق تری در این زمینه توفیق یابند.

ما هم باید آرزو کنیم که نویسنده این پایان نامه کار شایسته خود را پس از مرور و بازبینی و اعمال پیشنهادهای هیأت داوران، که با حضور دکتر سیروس شمیسا به عنوان داور خارج از مشهد، به اتفاق آرا کار وی را با نمره بیست پذیرفتند، هر چه زودتر به چاپ برساند.

\*\*\*

### فرهنگ سازان گمنام

آدمهایی بوده اند که دنیا را تغییر داده اند. آدمهایی هم بوده اند که تاریخ را تغییر داده اند، بی جهت نیست که داستان بینی کلتو پاترا این همه زبانزد شده است. اما آدمهایی که توانسته اند آرام و بی صدا فرهنگها را تغییر بدهند چندان زیاد نبوده اند. داستان پیامبران به کنار، نوابغ و پدید آورندگان شاهکارها از آن زمره اند. آنها که با نبوغ و هنر خود موج آفرینی و اثر گذاری می کنند، غالباً در خانه خویش توفیق بیشتری می یابند برای آنکه مشکل ناهمزبانی بر سر راه نیست. اما آنها که از خانه خارج می شوند و تن به مهاجرت می دهند با دشواری و احتمالاً ناکامی بیشتری روبه رو می گردند، زیرا باید خود چنان که باید و شاید زبان ملت میزبان را فرا بگیرند که بتوانند برای فرهنگ آنان تکلیف معین کنند، یا با چنان قدرتی زبان بومی آنان به منطقه وارد شود که قوم میزبان بتواند کلام و پیام او را دریابد و در چهارچوب آن فرهنگ سازی کند. تاکنون من در حوزه فرهنگ ایران جز مولانا جلال الدین بلخی کسی را در این پایه نمی شناختم و گمان ندارم توانایی بی مانند او در این عرصه، که اینک پس از هفتصد سال هنوز هم او را فرمانروای بی چون و چرای آناتولی و آسیای صغیر و سلطان دلهای عارف و عامی آن صفحات می بینیم، نیاز به توضیح داشته باشد. کافی است بدانیم که نفوذ معنایی سلطان روم اینک از مرزهای فرهنگی ایران و اسلام، که قلمرو بلامنازع و همیشگی او بوده در گذشته و به غربی ترین زوایای دنیای غرب نیز رسوخ یافته است، تا آنجا که رومی و اندیشه های عالمگیر او اینک به صورت یکی از مطرح ترین چهره ها و اندیشه های عرصه اینترنت در آمده و در

خانه و سینه صاحب‌دلان عالم جا خوش کرده است .

از گذشته‌ها سلسله قلمداران و وزیران خوش نامی که مسیر حرکت شمشیرهای جرار را در تاریخ گلگون ایران سر سبز و شاداب نگه داشته و گردونه اندیشه را سرشار به پیش رانده‌اند، برای تاریخ ما پدیده‌ای آشنا و دلپذیر بوده است . از پیوند خجسته قلم و شمشیر و به عبارت بهتر همگامی میمون امارت و صدارت در عصر فرخنده سامانی که بگذریم در دوره‌های بعد این تنها وزیران و صدور ایرانی بودند که با تدبیر و ولایت علمی و انصاف حکومت داری خود توانستند سکان دار تاریخ و در واقع ناخدایان با تدبیر سفینه سیاست ایران باشند و همواره خود قربانی سیاستهای متزلزلی قرار گیرند که بیم از قدرت یافتن بی اندازه این صدور آنان را به تکاپو وای داشته است . راستی ما چه می دانیم که نظام الملک طوسی با نظامیه‌ها و اقدامات سیاسی و فرهنگی خود در گسترش و استحکام بن مایه‌های فرهنگ و مدنیت جامعه ایران چه مایه تأثیر داشته یا رشیدالدین فضل الله با آن همه دارالسیاده و کتابخانه و رصدخانه و مجموعه ربع رشیدی به چه میزان در تعمیق دانایی و فرهنگ پس از خود مؤثر واقع شده است . در ایران سنت همکاری دانش و سیاست و به عبارتی قلم و شمشیر در اغلب دوره‌ها نزدیک و دلپذیر بوده است . از دو خاندان بلعمی و جبهانی بگیر و بیا به اسفراینی و کندری و بعد هم خاندان نظام الملک و در مقیاسی دیگر خواجه طوس و خاندان جوینی و همدانی . وقتی نصیرالدین طوسی مشاور باشد و عطا ملک جوینی وزیر- و بعد هم حاکم - و رشیدالدین همدانی آبادگر و اصلاح طلب ، هلاکو و اوکتای مغول هم نمی توانند از فطرت خود دست بر نهند و در یک نسل بعد به غازان و اولجایتو بدل نشوند . چه کسی می تواند تأثیر شگرف قلمداران با تدبیر را در دامن فرهنگ و تاریخ ایران در دورانی حتی به سیاهی عصر مغول نادیده بگیرد؟

همه این مثالها که آوردم از آبادگران خانگی بود ، یعنی آنها که در خانه بودند و از کیان فرهنگی این سرزمین با یاری هموطنان همزبان خود در برابر بیگانگانی که به خانه آنها یورش آورده بودند پاسداری کردند . این اواخر با شخصیتی آشنا شدم که همین کار را در بیرون از خانه و برای دیگرانی کرده بود که زبان و فرهنگ آنان را نمی شناخته و در سرزمین آنها مهاجر و شاید هم بیگانه تلقی می شده است .

### سیدی اجل در دیاری دور

عمر شمس الدین معروف به سید اجل ، که نسب او بنا بر یک تحقیق به یحیی بن زید بن علی بن حسین می رسد ، در سال ۱۲۱۱/۶۰۸ در شهر بخارا زاده شد . ۹ سالش تمام شده بود که مغولان شهر بخارا را در سال ۱۲۲۱/۶۱۸ به تصرف آوردند و سید با خانواده خود تسلیم مغولان شد و به مغولستان و چین شمالی رهسپار گردید . شمس الدین هم به دلیل حسد و نسب و هم به دلیل لیاقت و استعدادی که از خود نشان داد پس از روی کار آمدن اوگتای قاآن به عنوان داروغه مناطق فنگ ، جینگ و یون نان منصوب شد . شاید علت مهاجرت خانواده سید اجل به چین این باشد که بنا بر یک روایت جد شمس الدین که از خاندانهای اصیل و صاحب نفوذ بخارا محسوب می شد، در زمان سلجوقیان به دلیل اختلاف سیاسی با حکومت ناگزیر به ترک سرزمین پدری خود شد و به چین گریخت . نوادگان وی نیز پس از حمله مغول و نامساعد شدن اوضاع در خراسان رهسپار چین شدند و به اقوام خویش پیوستند .

به اینکه کی ، چگونه و چرا سید اجل و خاندان او چین را برای سکونت دائمی خود اختیار کردند فعلاً کاری نداریم ، آنچه اکنون می خواهیم به آن اشاره ای بکنم این است که وجود سید در زمان حیات خود و پس از آن چه تأثیری در زندگی مردمان منطقه داشته و چگونه توانسته است پس از گذشت بیش از هفتصد سال مردمان حسابگر یک مملکت ماتریالیستی را متقاعد کند که از او تجلیل کنند و برایش بنای یاد بود بر پا دارند .

سید به دلیل کفایتی که از خود نشان داده بود در عهد قویلیای به منصب صدارت رسید . در همان زمان حکومت ناحیه قراچانگ هم به



پسر وی ناصرالدین تفویض گردید . از سال ۱۲۶۱ میلادی قویلیای وی را به سمت « بایان فنجان » که در متون چینی از آن به « بینگ چانگ » یاد شده و چیزی معادل « صاحب دیوان » یا وزیر اعظم ایرانی بوده ، منصوب کرد کما اینکه برادران ، برادر زادگان و نوادگان او که هر یک در شهری و منطقه ای حاکم بوده اند نیز « فنجان » نامیده می شده اند . پس از مدتی سید اجل از جانب منگوقاآن به حکومت قراچانگ ، که همان یون نان امروزی باشد منصوب شد . این ایالت به دلایل تاریخی مسلمان نشین بود و پیش از آن به دست نوادگان محمود یلواج ، که او نیز یک ایرانی با فکر و سیاستمدار بوده ، اداره می شد . پس از روی کار آمدن سید به دلیل سیاست مثبتی که در پیش گرفته بود مسلمانان پراکنده ایالتهای دیگر نیز به این استان کوچیدند و آن را به ایالتی که همیشه در آن مسلمانان اکثریت داشته اند تبدیل کردند . سید اجل توانست در منطقه یون نان ، که از مدتها پیش نا آرام و

افزون بر این وی به منظور سر وسامان دادن به وضع آبیاری اراضی کشاورزی به مهار کردن آبهای دیگر رودخانه ها، حفر کانال، ایجاد کاریز و بستن سدهای کوچک در مسیر رودخانه ها اقدام کرد.

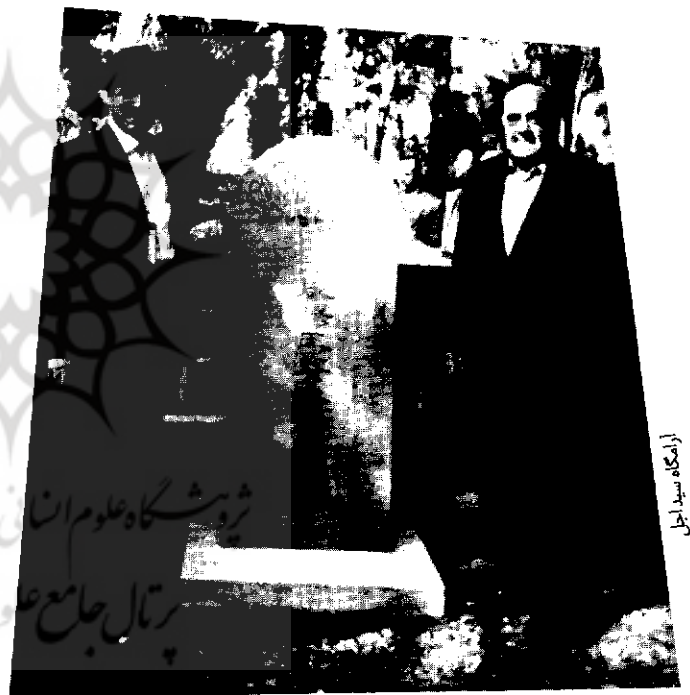
شمس الدین به آبادانی فرهنگی و غرس نهال معرفت و دیانت نیز اهتمام داشت. به همین منظور نخستین مدرسه را در قلمرو عبادتگاههای آیین کنفوسوس بنیان گذاشت و از محل اجاره بهای زمینهای اطراف هزینه های آموزشی این مدرسه را نیز تأمین کرد، کاری که فرزند سوم او حسین پس از مرگ پدر به شایستگی ادامه داد و حرکت فرهنگی بزرگی را در منطقه سبب گردید. وجود شمس الدین در این منطقه از چین سبب شد که گروههای کثیری از مسلمانان نواحی دیگر نیز به این سرزمین کوچ کنند و اداره نیمی از مشاغل دولتی ایالت را عهده دار شوند و موجبات رونق بازرگانی در بخش بزرگی از ایالت یون نان را پدید آورند. از دوره سید تا کنون سنتهای ایرانی و اسلامی در میان مسلمانان ایالت یون نان همچنان پایدار مانده است.

سید اجل شمس الدین در پاییز سال ۱۲۷۹ چشم از جهان فرو بست و به پاس خدمتهای شایسته اش در راه تحکیم و تقویت اوضاع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مناطق مرزی چین از سوی خاندان حکومتی یوان به لقب «امیر شیان یانگ» مفتخر گردید. فرزندان و نوادگان و دوستاران او، که فراوان هم بودند در منطقه ماندند و با سرفرازی تمام به آبادانی و رونق شهر و دیار خود اهتمام کردند. آنها همواره از انتساب به وی شادمان بودند کما اینکه هنوز هم پس از گذشت بیش از هفتصد سال بسیاری از اهالی با ابرام خود را از اعقاب وی می دانند و به این انتساب افتخار می کنند.

### سمپوزیوم بین المللی بزرگداشت سید اجل عمر شمس الدین

تأثیر شایان توجه عمر شمس الدین در استان یون نان و بخش قابل توجهی از چین بزرگ سبب شده که مسئولان این استان به فکر ترتیب دادن مجلس بزرگداشتی برای وی بیفتند که این کار، پس از آنکه چندبار به دلیل وجود بیماری سارس در منطقه به تأخیر افتاد، سرانجام طی روزهای ۷ تا ۱۱ مارس ۲۰۰۴ برابر با ۱۸ تا ۲۲ اسفندماه ۱۳۸۲ در شهر کونمینگ، مرکز ایالت یون نان، عملی گردید. در این بزرگداشت که در قالب یک سمپوزیوم جمع و جور بین المللی با همکاری دانشگاه یون نان و سفارت جمهوری اسلامی ایران در یکن برگزار شد، از چهار کشور چین، ایران، ژاپن و امریکا شرکت کنندگان و محققانی به ارائه مقالات علمی در مورد شخصیت و اقدامات شمس الدین و مسائل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی روزگار وی پرداختند. بیشتر مقالات را به طور طبیعی دانشمندان چین و پس از آن شرکت کنندگان ایرانی ارائه دادند. از امریکا و ژاپن هر کدام تنها دو مقاله در موضوع سمپوزیوم ارائه شد. در این سمپوزیوم از ایران غلامرضا ستوده و محمد رحیمیان از دانشگاه تهران، مریم معزی و محمدجعفر یاحقی از دانشگاه فردوسی، علی باقری و محمدامامی از دانشگاه علوم اسلامی رضوی و رضا مرادزاده از سازمان فرهنگ و ارتباطات سخنرانی کردند و علی باقر زاده از دانشگاه فردوسی در موضوع همایش شعر خواند. زبان رسمی همایش چینی، فارسی و انگلیسی بود که مقالات چینی به انگلیسی و مقالات فارسی به چینی همزمان ترجمه می شد.

آشفته بود، آرامش و مصالحه ایجاد کند و با فراغ بال به آبادانی منطقه بپردازد. وی در مدت کوتاهی به اصلاح سازمانهای سیاسی و اقتصادی پرداخت و توانست با نرمش و مدارا اوضاع نا آرام سیاسی را تثبیت کند. بنیان سیاسی درستی که سید در منطقه بر پا کرد چنان محکم بود که در دوران حکومت خاندانهای یوان، مینگ و چینگ همچنان پا برجا ماند. ایالت یون نان تا زمان پدید آمدن چین نو (۱۹۴۹) ۱۰۸ استان داشت که که تأسیس ۵۸ استان آن به دوران حکومت شمس الدین مربوط می شد. اصلاحات اقتصادی و فرهنگی سید هم کم از اقدامات سیاسی او نبود. وی در سال ۱۳۶۲ میلادی از سوی امپراطور مغول مأمور اصلاح امور اداری و مالی دربار شد. در ادامه این مأموریت بود که وی به ضرب سکه و تثبیت اوضاع اقتصادی اقدام کرد. به نوشته عباس اقبال در زمان سید اجل و در واقع به تدبیر او بود که قویبلای قآن به چاپ پول کاغذی یا به اصطلاح آن زمان «چاو» توفیق یافت، اقدامی که در تثبیت اوضاع اقتصادی آن زمان بیش از پیش مؤثر افتاد. کمی بعد در زمان گیخاتو چاپ پول کاغذی از چین به ایران هم رسید. سید به وضع کشاورزی



از نگاه سید اجل

منطقه هم به خوبی رسیدگی کرد و با پیدا کردن زمینه افزایش تولید موجبات رونق اقتصادی منطقه را فراهم آورد. دستور داد اطلاعات بسیاری در مورد وضع اجتماعی و اقتصادی منطقه گرد آوری شود که بر اساس آن اطلاعات توانست به تهیه نقشه های تفصیلی هر ناحیه اقدام کند. این نقشه ها تمام عوارض طبیعی و انسانی منطقه از کوه ورود و دشت و پستی و بلندیها گرفته تا کویها و محله ها و مراکز ارتباطی و مناطق نظامی و سوق الجیشی را شامل می شد.

در زمان او ورودی دریاچه دینچی و خروجی هایکو به علت گل و لای فراوان تقریباً مسدود شده و اهالی منطقه را از نظر کشاورزی با مشکل مواجه کرده بود. شمس الدین برای رفع این مشکل ۲۰۰۰ نفر را به لایروبی این دو دریاچه گماشت که آنها هم در مدت سه سال توفیق یافتند پس از لایروبی به ساخت دریاچه ها و محکم سازی سد ها بپردازند.

یک روز و نیم پایان همایش به باز دید از اطراف گذشت. ابتدا از آرامگاه شمس الدین و سدی که بنای اولیه آن به وی منسوب است در چند کیلو متری شهر کونمینگ باز دیدی دسته جمعی صورت گرفت. آرامگاه وی به صورت ساده با سنگی برجسته و کتیبه ای به چینی در کنار رودخانه باصفایی قرار گرفته که آبادی چندانی هم در آن حوالی نیست. کاوشهای باستان شناسی انجام شده در اطراف آن حاکی از این است که قبلاً در این منطقه آبادیهایی بوده است. دیدار بعدی از مدرسه علوم اسلامی کونمینگ واقع در مسجد «نان چینگ» بود که در واقع به شب کشید. بخش مسلمان نشین کونمینگ، با تأسف از سایر بخشهای شهر نا تمیزتر و تا حدی فروتر بود که می توانست البته لختی هم به قدمت و کهنگی بناها و خیابانهای منطقه مربوط باشد. کونمینگ مرکز ایالت بزرگ یون نان با بیش از سه میلیون جمعیت، در اصطلاح خودشان به «شهر همیشه بهار» نامبردار است، برای آنکه این ناحیه از هوایی همیشه معتدل با درجه حرارتی میان ۱۰ تا ۳۰ و در نتیجه طبیعتی همواره سبز و خرم بر خوردار است. البته دو روز اولی که جلسات سخنرانی بر پا بود هوا کمی گرفته و بارانی و نهایتاً برای ما که از ایران رفته بودیم اندکی سرد بود که به تدریج طبیعت بهاری خود را باز یافت.

### شهر کی خانوادگی

برای آخرین روز همایش از قبل برنامه ریزی شده بود که مهمانان از شهرک ناگو دین کنند که با کونمینگ با اتوبوس سه ساعتی فاصله داشت. این شهرک در پشت کوهی به نام «شیر» واقع شده و ۱۸۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. طول منطقه ۱۲ کیلومتر و مساحت آن ۲۲۰ کیلومتر مربع است با جمعیتی بالغ بر ۷۸۲۰ تن. ویژگی این شهرک، که به همین دلیل هم برای بازدید مهمانان انتخاب شده بود این بود که بیشتر اعقاب و نوادگان سید اجل شمس الدین در آنجا سکونت اختیار کرده و در داخل خود زاد و ولد کرده اند. به این ترتیب که در سال ۱۲۹۰ میلادی فردی به نام ناصر از نوادگان شمس الدین در این منطقه فرمانروایی یافت و پس از او فرزندان و اعقاب وی در این سرزمین زاد و ولد کردند تا اینکه امروز بازماندگان آنها در صد قابل توجهی از اهالی را تشکیل می دهند. از ۷۸۲۰ نفر سکنه این بخش ۶۲۶۸ تن یعنی ۸۱٪ مسلمان هستند. اقلیتهای جمعیتی این شهرک عبارتاند از: خان، ایل، هانی، دلهی، لاهه و... که در کمال مسالمت با هم زندگی می کنند. طی ۸۰۰ سال اخیر تولیدات کشاورزی در این ناحیه رشد فراوانی داشته است. ساخت صنایع دستی و لوازم چرمی در این شهر از گذشته های دور رایج بوده و در گذشته ها ۱۵٪ اهالی از طریق تجارت اسب بین برمه و تایلند و چین به گسترش روابط تجاری سرگرم بودند، هم اکنون هم چرم این منطقه معروف است. در دوران جمهوری خلق روحیه تولید در منطقه بالا رفت تا آنجا که هم اکنون در آمد سرانه کشاورزان به ۵۹۹۶ یوان می رسد. در سال ۲۰۰۰ دولت این شهرک را به عنوان یک منطقه مرفه اقتصادی اعلام کرد.

اگر اعداد و ارقام زبان مسائل اقتصادی باشند، که هستند، توجه به ارقام زیر که بخشدار این شهر در طی یک گزارش رسمی در اختیار ما گذاشت، می تواند چیزهایی را در این خصوص به ما نشان دهد ۹۹٪ درآمد این شهر از بخش خصوصی حاصل می شود. تقریباً هر خانواده یک تلفن ثابت و هر دو تن یک تلفن همراه در اختیار دارند. در این بخش ۳۰۰ خانه

ویلائی وجود دارد و مساحت زندگی به ازای هر یک تن ۲۵ متر مربع است. خدمات باند پهن اینترنت در تمام منطقه در اختیار است. تعداد ۵۲۱۰ نفر از ساکنان این ناحیه در ۴۴۶ کارخانه و مؤسسه تولیدی فعالیت دارند. مردم همه ساله میلاد پیامبر اسلام را گرمی می دارند و جشنهای بزرگ اسلامی را با شکوه برگزار می کنند. در سال جاری هم ۴۰۰ تن از اهالی منطقه به سفر حج تمتع رفته اند.

همه این ارقام را باید در مقیاس یک کشور کمونیستی به نظر آورد که تا همین چند سال پیش مالکیت خصوصی در آن بی معنی بوده و هیچ کس مثلاً بیش از حد نیاز روزمره خود مالکیتی نداشته است، هر چند چنانکه می گفتند، و از همه چیز هم پیدا بود، دولت نه تنها در سالهای اخیر که از همان گذشته ها برای آنان امتیازاتی قائل شده و تسهیلاتی در اختیار اهالی قرار می داده است. پس از رفرف به ویژه مردم تحت حمایت دولت اقدام به ایجاد سیستم تولید خانگی کرده و باگسترش مالکیت خصوصی سنت دیرین فعالیتهای تولیدی را در منطقه ادامه دادند. می گفتند-والعده علی القائل- که از لحاظ سیاسی دست مردم باز است و محدودیت خاصی وجود ندارد. از این برتر، در چارچوب سیاست اداری کمکهایی هم از قبیل اعطای وام، در اختیار گذاشتن زمین، بخشودگی از پرداخت مالیات و تسهیلاتی برای استفاده از نیروی برق به مردم منطقه می شود.

بهبود وضع اقتصادی منطقه سبب شده که وضع بهداشت و فرهنگ و آموزش و سواد مردم هم به نسبت بهتر باشد، حاصل آنکه بیش از ۴۰۰ روحانی بزرگ و حدود ۳۰ تن از نظامیان معروف و شخصیتهای علمی و فرهنگی متعدد از این منطقه برخاسته و مصدر خدماتی شده اند.

\*\*\*

این روزها در چین همه جا صحبت از همین سید اجل بود که هفتصد سال پیش خود را به این ناحیه رسانیده و تا امروز نام و آوازه ای چنان بلند به هم رسانیده است. چینیان این هموطن خوشنام ما را می شناسند و برایش همایش و بزرگداشت برپا می کنند، در حالی که او در شهر و دیار و وطن فرهنگی خود، ایران، چندان شناخته نیست. رشیدالدین فضل الله در *جامع التواریخ* از او به نیکی یاد کرده و در بسیاری از کتابهای گذشته هم نام ویاد او در خور و مناسب آمده است، اما این آگاهیها به امروزیان منتقل نشده است. پیش از این همایش در ایران تنها ترجمه یک مقاله در مجله *مشکوٰه* ۴۵ (زمستان ۱۳۷۳) و اشاراتی بسیار گذرا و جسته گریخته اینجا و آنجا در مورد وی به نظرم رسیده بود، این در حالی است که دست کم در چین رسالات و کتابهای متعدد در مورد وی نوشته شده که از آن میان من از ترجمه انگلیسی یکی از آنها با مشخصات زیر بسیار سود بردم:

Li Qingsheng, A Biography of Sayyid Agall  
Omaer Shamsal-Din, Tr. By Li, , Danhe,  
Ma Yonghong, Li Changyin and Li yue, Yunnan  
University Press, 1999.

### پانویس:

\* عضو هیات علمی دانشگاه مشهد